

نواقص العقول

این مطلب با یک پرسش ایمیلی آغاز شده و پاسخ ایمیل به صورت بخش به بخش در وبلاگ قرار داده شد که از لینک زیر می‌توانید مشاهده کنید:
<http://rastan.parsiblog.com/Posts/816>

سلام علیکم

دیشب سخنرانی دکتر سروش رو با موضوع شرح نامه‌ی امام علی ع به امام حسن ع در نهج البلاغه را گوش می‌کردم. یک سری جاها اصلا صحبت‌ها از زبان یک معصوم منطقی نبود.

مثلا امام به فرزندش با قریب به موضوع می‌فرماید با زنان مشورت مکن چرا که آنان در دین نقصان دارند (به علت عادت ماهیانه چند روزی را در ماه نماز نمی‌خوانند) و عقلشان نصف مرد است (شهادت دو زن برابر شهادت یک مرد است) و در حق که همان ارث است کمتر بهره می‌برند.

سوال اولم این است که به نظر شما خانومی که این نامه را می‌خواند چه دیدی نسبت به امام علی برای خود ترسیم می‌کند؟

و دومین سوال مطلبی بود که دکتر سروش عنوان کرد و این بود که وقتی پشت مطلبی استدلالی نهفته است گوینده برای ما در نظر گرفته نمی‌شود. مثلا پیرامون همین مطلب می‌گفت درمورد این مسئله استدلال شده به عادت ماهیانه‌ی خانوم‌ها و شهادت دادن آنها و بهره بردن آنها از ارث.

خانوم می‌تواند به خدا بگوید شما به من گفتید در این ایام نماز نخوان یا شهادت تو نصف مرد است و یک دوم مرد ارث می‌بری من که نخواستم اینطور باشد ای خدا تو به من اینطور گفتی.

پس این نقصان من نیست تو به من بگو در تمام ماه نماز بخوان من می‌خوانم بگو شهادتت برابر مرد است من قبول می‌کنم و همچنین ارث تو با مرد برابر است من حرفی ندارم.

بعد دکتر سروش گفت چون استدلال معقول نیست حالا می‌خواهد از جانب معصوم باشد چه غیر معصوم این مطلب پذیرفتنی نیست.

آیا این گفته‌ی دکتر سروش درست است؟

گفته‌های این آقا که مدت‌هاست غلط است

بسیار نادرست

ایشان حتی درباره قرآن هم معتقد نیست کلام خدا باشد

مخلوط شده با خواب‌های پیامبر (ص) می‌داند

خیلی دور است ایشان از دین اسلام

و اعتقادات ما

اما درباره حضرت مولی (ع)

جمله شما این بود:

«خانومی که این نامه را می‌خواند چه دیدی نسبت به امام علی برای خود ترسیم می‌کند؟»

دقت کنید
سؤال شما دیدگاه خانمی است که می‌خواند
نامه حضرت را
سؤال بنده این است
حضرت علی (ع) انسانیست که حق را به خاطر دیدگاه مخاطب تغییر دهد؟!
آیا ایشان را چنین آدمی می‌شناسیم؟!
خوب دقت کنید
ما مواجه با دو ماجرا هستیم
یکی این‌که
آیا می‌خواهیم همه مردم را راضی نگه داریم؟
یا
آیا می‌خواهیم حقیقت و راه درست هدایت را نشان‌شان دهیم؟

مثالی عرض می‌کنم
قرار است فردا برویم صخره‌نوردی
می‌گوییم فقط آن‌هایی بیایند که قدشان بالای ۱۸۰ است
به خاطر فواصل میان صخره‌ها
چند نفری ناراحت می‌شوند
خب
آیا ما مسئول هستیم تا آن‌ها را خوشحال نگه داریم؟
یا مسئول هستیم مانع ایجاد خطر برای خودشان و دیگران شویم؟

مسأله بر اعتماد است
آیا ما
انسان‌ها
از عوالم دیگری که خدا خلق کرده مطلعیم؟
خب

شاید یکی بگوید: آری

من هستم
خوش به حالش
ولی من نیستم
ما نمی‌دانیم قبل از دنیا کجا بودیم
نمی‌دانیم همین الآن دوستان‌مان که مرده‌اند کجایند
نمی‌دانیم پس از مرگ کجا می‌رویم
نمی‌دانیم قیامت خواهد شد یا نخواهد
و پس از آن

بهشت و جهنم را هرگز نمی‌توانستیم با عقل خود درک کنیم
ما فقط دنیا را نداریم
دنیا قبل و بعد دارد
کنار و اطراف هم دارد



برزخ هم در کنار ماست
همین الآن که ما هستیم
مرده‌های ما در برزخ می‌زیند

ما به اطلاع نیاز داریم
چون نمی‌دانیم
اگر خود ما بودیم و خودمان
اصلاً شاید وجود خدا را هم نمی‌توانستیم اثبات کنیم
یا وحدانیت او را
چه برسد به معاد و عدل و سایر اصول دین را
اصلاً اگر می‌توانستیم
به نبوت چه نیازی بود؟

پیامبران به همین کار آمده‌اند
با همین مأموریت
اولین پیامشان توحید
دومین معاد
ما را از جهنم ترساندند
مگر جهنم با عقل ما جور در می‌آید؟
آتشی که تمام نمی‌شود
آتشی که سبب مرگ نمی‌شود
می‌سوزیم و دوباره پوست بر می‌گردد و باز می‌سوزیم
تا کی؟
تا همیشه؟
برای آن‌ها که خالدند؟
بهشت را هم
تا ابد زنده‌ایم؟
در بهشت؟
هر چه بخوریم دلمان درد نمی‌گیرد؟
لحظه‌ای فکر کنید
شما چرا این حرف‌ها را باور کرده‌اید؟
آیا با عقل جور در می‌آیند؟

مسأله این است که ما از جهان‌های موازی مطلع نیستیم
سماواتی که خدا در قرآن ذکر کرده است
و عقل ما
بر اساس داده‌های حسی عمل می‌کند
چیزی را که لمس کرده
با دیگری مقایسه می‌کند
می‌سنجد



و به قضاوت می‌رسد
نسبت به چیزی که حسّی ندارد که قضاوتی هم ندارد *

* معقولات ثانیه را نیز از تصوّرات انتزاع می‌کند و بدون مبدأ حسّی خلق نمی‌کند.

ما نیاز به اطلاعات داریم
پیامبران به ما اطلاعات می‌دهند
ما نیاز به اعتماد داریم
تا اطلاعات آن‌ها را اعتبارسنجی کنیم
آیا می‌توانیم بهشت را ببینیم
با گفته‌های پیامبر (ص) بسنجیم
ارزیابی کنیم
تا به قضاوت برسیم
راست گفته است یا دروغ؟
این که نمی‌شود
ما که نمی‌توانیم
پس دنبال راهی برای اثباتیم
به همین خاطر از او خواستیم تا شتری از کوه بیرون بیاورد
به همین خاطر خواستیم تا ماه را دو نیم کند
به همین خاطر عصا را اژدها کرد
آتش را گلستان
تخت پادشاهی را جابه‌جا
به همین خاطر
ما انسان‌ها
از او خواستیم مرده را زنده نماید
بیمار دائمی را شفا دهد
چرا؟
کارهایی که انسان‌ها عادتاً نمی‌توانند انجام دهند
وقتی او انجام می‌دهد
می‌فهمیم که قدرتی برتر پشت سر اوست
می‌فهمیم که راست می‌گوید
چرا؟
چون «اصالت عجز» این را می‌گوید
چرا خیلی از مردم ما مفتون آمریکا هستند
و غرب را می‌پرستند
چون در برابر فناوری آن خود را عاجز می‌بینند
خیال می‌کنند
توهم
که قادر به کاری نیستند که غربی‌ها می‌کنند



وقتی گوشی موبایلی را در دست می‌گیری
که خودت قادر به ساخت آن نیستی
در برابر سازنده آن سجده می‌کنی
«عجز» به «پرستش» منتهی می‌شود

آیات الهی نیز چنین است
پیامبر آیه می‌آورد
نشانه‌ای که ما قبول کنیم حمایت شده است
از سوی خداست
پس اعتماد می‌کنیم
تا کجا؟

تا کجا به وی اعتماد می‌کنیم؟
اگر فردا گفت برویم با رومیان بجنگیم
آیا می‌گوییم: خودت با خدایت برو و بجنگ، ما بعد می‌آییم!
یا می‌پذیریم که صلاح و رشد ما در این جنگ است
می‌رویم حتی اگر شهید شویم؟!
مسئله این است که دامنه اعتماد ما به نبی تا چه حد است؟

حضرت علی (ع) را ما معصوم می‌دانیم
شاید کسی نداند
خودش می‌داند و خدای خودش
ما بر اساس ادله‌ای که یافتیم
دانستیم که جانشین رسول خداست (ص)
به حق
و ما صلاح خود را در این می‌دانیم که از فرمایشات ایشان اطاعت کنیم
دیگرانی ممکن است نکنند
ما می‌کنیم
در قیامت مسئله روشن خواهد شد
در صحرای محشر
که دلایل ما درست بود یا دلایل ایشان
ولی از نظر ما
ما که شیعه مولا هستیم
و ایشان را دور از خطا می‌دانیم
کلام ایشان برای ما دلیل قطعی است
زیرا دلیل قطعی بر امامت و ولایت ایشان داریم
جانشینی بر حق
از سوی خدای متعال
البته به دو شرط
نخست این که مطمئن شویم حرفی که نقل شده واقعاً کلام مولا است
و دیگر این که



آن را به درستی بفهمیم

وقتی هزاران داده و اطلاعاتی در جهان هست که ما از آن بی‌اطلاعیم
و مبناء قادر نیستیم مطلع باشیم
به دلیل این که احاطه به عوالم دیگر نداریم
پس این که به عقل خود در برابر نقل اعتماد کنیم
و نقل را با عقل زمین بزنیم
به صرف این که این حرفی که معصوم گفته با عقل ما جور در نمی‌آید
این نهایت سادگی و جهالت است
این نهایت نفهمی است

ما نه می‌دانیم از کجا آمده‌ایم
و نه می‌دانیم به کجا می‌رویم
و نه می‌دانیم اصلاً کجا هستیم
ما قادر نیستیم خورشید را از زمین دور کنیم
اگر زمین به آن نزدیک شود و ذوب گردد
نه می‌توانیم سوراخ لایه اوزن را ببندیم
اگر تشعشعات مرگبار خورشید از آن وارد گردد
ما نمی‌توانیم یک شهاب‌سنگ را از سیاره خود دور سازیم
ما در این عالم به این بزرگی
حتی نمی‌دانیم در لایه‌های زیرین فلان سیاره منظومه خودمان حیات هست؟
چه برسد به کهکشان‌های دیگر
حالا ما چگونه می‌توانیم صلاح و صواب دنیا را تشخیص دهیم
چگونه می‌توانیم انسان‌ها را دسته‌بندی کرده
راه هدایت هر یک را بیان نماییم
آیا همه مردم دنیا مثل هم هستند و یک مسیر برای رسیدن به رستگاری دارند؟
آیا آن‌هایی که قدشان زیر ۱۸۰ است
همان تکلیفی را دارند که صخره‌نوردهای بالای ۱۸۰ دارند؟

این ظلم است
خداوند از همه بشر یک تکلیف نخواست است
«لا یکلف الله نفساً الا وسعها» (بقره: ۲۸۶)
معصومین این اخبار را به ما رسانده‌اند
ما به آن‌ها اعتماد داریم
آیات الهی آن‌ها را تأیید کرده‌اند
و ما به یقین رسیده‌ایم که آن‌ها تنها راه دستیابی ما به حقیقت‌اند
حالا

وقتی آن‌ها به تفاوت‌های انسان‌ها اشاره می‌کنند
تفاوت‌های میان زن و مرد
ما به گفته‌هایشان اعتماد می‌کنیم
این که مردها را بفرستیم به جنگ



زن‌ها را نگه داریم برای تربیت فرزند

وقتی می‌گویند با زن‌ها مشورت نکنید

در چه اموری؟

این‌جا می‌رسیم به همان شاخص دوم که عرض کردم

یعنی فهم درست روایت

آیا منظور این است که در خرید فرش خانه مشورت نکنید

رنگ و طرح پرده

آیا حضرت حسن (ع) نامه دریافت کرده در امور زندگی شخصی خود؟!

یعنی مولا (ع) درباره مسائل کوچک زندگی دارد نصیحت می‌فرماید

یا جنگ جمل رخ داده

یک زن شده پرچمدار یک سپاه

علیه موجودیت یک نظام اسلامی قیام کرده

و این نامه بعد از آن حادثه است

آیا موضوع مشورت، مطلق است

در هر چیزی؟

آیا ناقص العقل بودن به معنای نصف مرد بودن زن است؟

یا توجه دادن به تفاوت‌هاست

تفاوت‌هایی که مبنای ارزش‌گذاری نیست

زیرا همین امامی که این مطلب را فرموده

قرآن نیز برای ما خوانده:

«إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳)

آیا نقص زنان در عقل

درباره تربیت فرزند هم هست؟

آیا آن‌ها در تربیت فرزند هم عقلشان نصف مردان است

یا برعکس

چه بسا در تربیت فرزند چند برابر مردان دانا باشند

فهم‌تر

داناتر و آگاه‌تر

بحث سر چه بوده است؟

این علم درایه است

این علمی‌ست که آن آقا ندارد

و به خطا افتاده

البته حبّ و بغض‌های شخصی هم دارد

از رفتارشان در سنوات اخیر هویدا است

من پیگیر بوده‌ام

هم بعضی نوشته‌های ایشان را



و هم سخنرانی و مناظرات
با دقت توجه کردم
گاهی کینه‌توزی از لابه‌لای استدلالات ناقصش موج می‌زند و بیرون می‌تراود

نامه را این‌طور ببینید
قیامی صورت گرفته که زنی پرچمدار آن بوده
یک حرکت اجتماعی
یک ولی
دارد

به یک ولی آینده نامه می‌نویسد
علی (ع) که امروز خلیفه رسمی مسلمین است
تمام بلاد اسلامی را تحت کنترل دارد
برای کسی می‌نویسد که قرار است پس از او ولایت جامعه را بر عهده بگیرد
سرپرستی کند
خلیفه باشد
از این منظر بنگرید
این جا نواقص العقول به چه معناست؟

نه این‌که این مطلب و تحلیل از حقیر باشد
این را در کلام بزرگان یافتیم
اساتید
در اینترنت هم جستجو کنید پاسخ هست

خوب دقت بفرمایید
خداوند توانایی‌های یکسان به همه نداده است
نژادهای بشر مختلف است
زن و مرد متفاوت‌اند
حتی در میان یک قوم و قبیله هم
یک خانواده حتی
برادرها با هم تفاوت‌های عجیب و غریب دارند گاهی
در توانایی‌ها
اصلاً گاهی خدا یک انسان را فلج وارد این دنیا می‌کند
یا یکی به جرم گناه پدر و مادرش
حرامزاده متولد می‌شود
و از خیلی حقوق مربوط به سرپرستی و ولایت اجتماعی و فقهی محروم می‌گردد
آیا این‌ها ظلم است؟!

این بحث بارها در تاریخ مطرح شده
نخستین بار نیست
یک جستجوی ساده شما را به سیل پاسخ‌ها می‌رساند



بزرگان از فقها و علما

اعظم

پاسخ داده‌اند

من ساده‌ترین را عرض می‌کنم

آنچه آموخته‌ام

و گر نه که چیزی از جانب خود برای بیان ندارم

وقتی هزاران انسان در حال مسابقه دادن هستند

در دنیا

برای امتحان

پیشرفت هر کدام از جایی که هستند محاسبه می‌گردد

نه از یک مبنای واحد خیالی

انسان بما هو انسان

از جایی که واقعاً شروع می‌کنند

کسی که از نقطه آغاز خود سه قدم پیش برود

جلوتر از کسی است که از نقطه‌ای پیش‌تر

فقط یک قدم جلو آمده

خداوند در حساب و کتاب دقیق است

برای فلج، ضریب در محاسبه اعمال قرار می‌دهد

فقیری که تنها نان خود را صدقه می‌دهد

مساوی نیست با ثروتمندی که صد نان صدقه داده

حساب و کتاب نسبی است

فقیر صد در صد موجودی خود را صدقه داده

ثروتمند چطور؟

فقط یک صدم درصد

این است که وقتی به ادعیه بزرگان می‌نگریم

معصومین (ع)

می‌بینیم چقدر خود را در برابر پروردگار گناهکار معرفی می‌کنند

و درخواست بخشش دارند

زیرا نعمت‌های فراوان و بی‌شمار خداوند را می‌بینند

آنچه به آنان عطا شده

و حس می‌کنند بیشتر از سایر مردم بدهکار هستند

و وظیفه‌ای بیشتر دارند

زن‌ها با مردها متفاوت‌اند

شک دارید؟

قطعاً مختلف‌اند

ولی آیا این اختلاف به معنای تحقیر یکی و تعزیز دیگری است؟

خداوند عادل است



قطعاً چنین نیست
به معنای این است که یکی چونان بولدوزر باید کوه را بکند و خانه بسازد
و دیگری چونان پورشه‌ای باید خانواده را در مسیر درست هدایت نماید
حمایت و حفاظت
حالا بولدوزر عزیز شده و پورشه حقیر؟

قیمت‌شان که مساوی‌ست
اما اولی این قیمت را به خاطر تیرآهن‌ها و بدنه فولادی ده و بیست سانتی می‌دهد
دومی به خاطر ظاهر شکیل و زیبا و موتور خوش صدا و سریع و پرشتاب
یک پولی داشتیم
در اولی خرج استحکام کردیم و قدرت
در دومی خرج زیبایی و ظرافت
حالا می‌شود قضاوت کرد و اولی را بهتر از دومی توصیف نمود؟
اگر کارشناسان معروف خودرو
همین سه تا انگلیسی که در «تور بزرگ» می‌آیند و تلویزیون نشان‌شان می‌دهد
اگر بگویند قدرت پورشه نصف بولدوزر است
ناراحت می‌شویم؟
می‌گوییم با عقل جور در نمی‌آید که کارخانه، یک خودرو را از دیگری قوی‌تر ساخته باشد؟
خب بعدش هم
می‌تواند بگوید سرعت بولدوزر نصف پورشه است
باز هم باید ناراحت شویم؟

نه برادرم
قصه این نیست
قصه این است که انسان از حضور در دنیا راضی نیست
از دین‌داری راضی نیست
این حرف‌ها از این روست
به این جهت که دنیاپرستی حاکم شده
تقوا کم شده
بشر به دنبال هوای نفس افتاده
می‌خواهد از اتورپته خدا بگریزد
و دنبال راهی برای شیطننت است
و این برای انسان خسرانی آشکار است:
«وَالْعَصْر، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»

همه در خسرانیم
چه زن و چه مرد
و خداوند
تفاوتی میان ارزشگذاری زن و مرد قرار نمی‌دهد
و علی (ع)



حجّت و ولی از جانب همان خدایی ست

که بارها در کلام خود فرمود:

«إِنِّي لَا أَضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ نَسَى» (آل عمران: ۱۹۵)
یقیناً من عمل هیچ عمل‌کننده‌ای از شما را از مرد یا زن تباه نمی‌کنم.

در پناه خدا

